

استعمارسیاه تصمیم گرفته بود بهر بهاشده است اتابک روس گرا را از صدارت بر دارد ، دوستان خود را بر سر کار آورد. از این رو با اینکه امین الدوله سر دسته (راستیه) در تهران نبود، فعالانه در تغییر اوضاع می کوشیدند .

پروفسور براون در این باره مینویسد: (امین السلطان در ۱۳۱۴ ق ۱۸۹۶ م . از مقام صدارت افتاد و بقم رفت ، رقیب او که امین الدوله بود در این تاریخ فرمانفرمای آذربایجان بود از آنجا احضار گردید ، در فوریه ۱۸۹۷ (۱۳۱۴) وزیر داخله و رئیس دارالشورای هیأت وزراء شد ، و در ماه ژوئن همان سال رئیس الوزراه در ماه اوت بسمت صدراعظم ملت ایران برقرار گردید .) باینکه آنکلو فیلهای برای برداشتن اتابک جبهه واحدی داشتند درباره نحوه چیرگی و استفاده با هم موافق نبودند ، امین الدوله در این باره خود می نویسد : (امین الدوله حامل فرمان و شمشیر ولیمهد به کار فرمائی آذربایجان مأموریت یافت چرا که حضورش در دربار تهران به طرح و ترتیب جدید موافقت نمیکرد (۱) .

جناب فرمانفرما که بقول امین الدوله بمانند (کرکسان گرسنه ۲) خود را به لاشه مملکت رسانیده بودند ، تدبیر و شکیمیائی و سنگینی گروه امین الدوله را نداشتند امین الدوله سمت جدید را مناسب خود نمی دانست ؛ درباره نابابی آن می گوید :

(اگر باغبان بجای بیل سیخ بردارد زور خویش را هدر می کند (۳) ولسی مظفر الدینشاه اوضاع آذربایجان را سخت شوریده و بهم ریخته و انمودمی کند، شخصاً از او میخواهد به تبریز رود. دولت فیروز و هدایت (فرمانفرما ، مخبر الدوله) مانند (ترکان ینغائی) چنان به خرابکاری می پردازد که سیمرخ برای حفظ سیاست جدید از جانبداری آنان دست برداشت ، مخبر الدوله که بزرگی موقعیت را دریافت، کناره گیری کرد .

در این موقع می بینیم عین الدوله از رشت امین الدوله از تبریز هر دو مأموریت خود را ترك می کنند تا جانشین رفیقان ناباب خود بشوند .

با اینکه عین الدوله از شخصیت های برجسته قاجاریان و دامادشاه و از کارگزاران امپریالیسم و از نوکران دیرین و نزدیک مظفرالدین شاه بود این امتیازات می توانست او را از امین الدوله بیشتر اندازد ؛ او را از تهران بیرون فرستادند تا راه صدارت از هر جهت برای پیشرفت امین الدوله باز باشد .

اما خود امین الدوله معتقد است وقتی در خدمت شاه از بدی اوضاع اجتماعی و سیاسی سخن گفت شاه (طوری اظهار مرحمت و حسن عقیدت فرمود که حاضران مقام امین الدوله را بلنددیدند او بشهر نرسیده شهرتش به دورو نزدیک رسید بدانسان که عادت ایرانیان است حضرتش محط رجال مهبط آمال شد) در ۵ جمادی الاخر به دریافت (یک عدد انقیه‌دان‌ه‌زین و صورت‌مثال خورشید مثال همایون) سرفراز گردید ابتدا چنین دستخطی برای کار جدید او صادر گردید :

(... امروز مقام شما در پیشگاه همایون آنست که در زمان شاهنشاه شهید ... شامل بودند ریاست مجلس وزراء بمهده شماسست باقتضای این تکلیف باید همه روزه در دایره مخصوص خود حاضر خدمت بوده با حضور وزراء مسئول دولت برفع نواقص و تنظیم قواعد وزارتخانه‌ها مشغول شوید) محمود محمود باصراحت روی کار آمدن امین الدوله را بر اثر سیاست جنوب می‌نویسد ۱ امین الدوله در دوره فرمانفرمایی خود بطوریکه گفته شد به دگرگونی و نوسازی آموزش و پرورش و فرهنگ ایران پرداخت، بوضع درهم و برهم و قدیمی فرهنگ ایران ، در روش تدریس سرو صورتی داد . با تشکیل انجمن معارف بسیاری از مکتبخانه‌های تنگ و تاریک و مرطوب قدیمی را تغییر ، القابای مقطع و تعلیم اشکال و اصوات فارسی را آسان کرد ، (۲)

آشیا نه‌های جاسوسی

اما از جمله کارهای زیان‌بخش وی اجازه بنیاد دفاتر پستی بانگلیسها در بوشهر، لنکه، بندرعباس، جاسک ، اهواز و آبادان و زاهدان است که سیاست استعماری بمدها از آن بسود خود بهره زیادی برد ، تا این که دولت ایران در سال ۱۹۲۰ به کنگره پستی تشکیل یافته در مادرید شکایت کرد ، طبق تصمیم کنگره در سوم تیر ۱۳۰۱ و یا نوشته (سرهيو - پنجبول هیورکشن) سفیر کبیر انگلستان در سال ۱۹۳۴ با آقائی و گذشت خود اربابان ، این پایگاه جاسوسی و خرابکاری از شهرهای ایران برچیده شد .



۱ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد ۶ صفحه ۱۶۸۲

۲ تاریخ فرهنگ ایران صفحه ۳۴۲

یکی از کارهای ضدملی که عبدالله مستوفی به امین الدوله نسبت می‌دهد موضوع افزایش نفوذ بیگانگان و جنبه عملی مسئله (کاپیتولاسیون) در ایران است . مستوفی در این باره با صراحت سخن نمی‌گوید دیگران نیز در این باره اشاره‌ای نکرده‌اند ولی سخن در پرده او نمایشگر عمل ضدملی امین الدوله است :

(یکی از نشانه‌های استقلال و حاکمیت هر دولت منع ورود اشخاص مسلح خارجی بحدود آن دولت است که جز در حال جنگ و با اتحاد جنگی بین دو دولت و ورود نظامیان مسلح یک دولت ب خاک دولت دیگر جدا ممنوع است، اینست که در غیر حالت جنگ و با اتحاد هیچ دولتی اجازه ورود اشخاص مسلح دول دیگر را بخاک خود نمی‌دهد ...)
سپس راه تنفیذ بیگانگان و نحوه توجیه وارد کردن نظامیان را بنام نگهداری سفارتخانه‌ها می‌نویسد و نتیجه گیری میکند .

(درو بند سرحدی ایران از سال ۱۳۱۵ قمری صدارت امین الدوله شکسته دولتمین باسم مستحفظین کنسولگری‌های خود هر روز می‌خواستند قوای مسلح به ایران وارد کنند تا شاه سابق اعلیحضرت رضا شاه پهلوی بر تخت نشسته و کاپیتولاسیون از بین رفت ، این وضعیت در سراسر کشور برقرار و مایه همه گونه مضارمادی و معنوی بود ...)

افضل الملك از نوسازی و اصلاح طلبی امین الدوله سخن می‌گوید، انگیزه پیش رفتن سیاست صنعتی او و بسته شدن کارخانه‌های کبریت‌سازی و قند ریزی را بر اثر رقابتهای خارجی و نامرغوبی جنس می‌داند در موضوع کارهای اداری وقتی میرزا محمد مستوفی گرگانی از اوشکایت می‌کند که چرا مرا بر کنار و مدیر السلطنه نوری پسر نظام الملك نوری را بجایش فرستاده است ؟ امین الدوله پاسخ می‌دهد بی‌کاری مدیر السلطنه باعث تقصیر شما شده است (۳) شاید افضل الملك نمی‌دانست که مدیر السلطنه خواهر زاده امین الدوله است. امین الدوله طبق معمول حساب خویشاوندی نزدیک خود را داشت ، چگونه خالو می‌تواند بی‌کاری خواهرزاده را ببیند و ویژه خواهر زاده‌ای که پدرش حکمران متنفذ تهران و پدر بزرگش از کار گذاران دیرین امپریالیسم بود .

تبیغ چوبین در غلاف مرصع

در اصلاح وضع ضرابخانه که از صنایع الدوله (مرتضی قلی هدایت) می‌گیرد به امین الضرب (محمد حسین مهدوی) می‌دهد مخبر السلطنه (مهدی قلی هدایت) برادر صنایع الدوله می‌نویسد (امین الدوله هفته بعد ضرابخانه را از صنایع الدوله گرفته به امین الضرب داد و در ضمن عقد خارج معروف شدهای پنجهزار تومان امین الضرب به محسن می‌دهد و این بدون ثقلب در عیار ممکن نبود .

این شد رفتار امین الدوله با آن دواعی و انتظاراتی که بود نمی‌گوئیم صنایع الدوله امین ، خیر خواه و وطن دوست بود اما از هر جهت بر امین الضرب با آن سوابق ترجیح داشت .

۱ - شرح زندگانی من ... جلد ۲ صفحه ۲۷ و ۱۴۴

۲ - شرح زندگانی من ... جلد ۲ صفحه ۲۷

۳ - افضل التواریخ خطی جز ۳۴

حقیقت این حرکت بهت آور بود با تعرض مصلحتی غیر از ماهی پنج هزار تومان محسن و صرف نظر از بعضی اقساط تمهدی حاج محمدحسین داشته بوده است (۱) .
 برآستی این سخن مخیر السلطنه درخور ژرف اندیشی و بررسی است که آیا بجهت گوناگون صنایع الدوله تحصیل کرده و خوشنام و باشخصیت که سرانجام نیز طعمه گلوله های بیگانه شد ، برآمین الضرب نادرست دغلكار و آزمند برتری نداشت ؟
 اما نمیدانم به این موضوع و مطلب مخیر السلطنه توجه کردید که این (محسن) کی بود که بنمایندگی امین الدوله ماهی پنج هزار تومان حق واگذاری ضرابخانه را از امین الضرب بالا می کشید ؟

درنگش نخست آدمی میانمیشد که این محسن باید (محسن خان مشیر الدوله) یار دیرین امین الدوله باشد ، ولی امین الدوله کسی نبود بدین آسانی و گشادگی کسی را هم انباز بهره کشی های خود کند و انگهی می بینیم در همین صفحه وقتی مخیر السلطنه می خواهد نامی از مشیر الدوله ببرد او را بانام و لقب کامل (محسن خان مشیر الدوله) یاد می کند .

پس این محسن مطلق باید کس دیگر و خیلی هم به صدر اعظم نزدیک و محرم باشد تا ماهی پنج هزار تومان حق و حساب ماهانه باو حواله شود این جز محسن (پسر بزرگتر امین الدوله) امین الدوله دوم نباید کسی باشد .

مخیر السلطنه بدنبال این رفتار خلاف انتظار امین الدوله می گوید :

(حقیقت مسایه افسوس است که از غلاف مرصع بجای شمشیر هندی تیغ چوبین در آید ۲)

کوششهای رفورمیستی امین الدوله

امین الدوله کوشید وضع نابسامان و درهم ، سیستم کهنه و آلوده اداری و مالی کشور را سامان بخشد و بقول کاسا کوفسکی (همه درآمدهای دولت را بجای اینکه محل مصارف معینی قرار گیرد مستقیماً وارد خزانه عمومی دولت کند ، همه کارکنان دولت هم حقوق خود را مستقیماً از خزانه داری دریافت نمایند ، بدینوسیله امین الدوله امیدوار بود باج بگیری های غیر قانونی و ویران کننده را از بین ببرد) .

وی برای این دگرگونی بنیادی ، آدم واجد شرایط یافت این شخص ناصر الملک دوم (ابوالقاسم قراگوزلو) (نوه ناصر الملک اول) (محمود قراگوزلو) انگلوفیل معروف و یابو قول اعتماد السلطنه (تبعه انگلیس) ۴) همسلك دیرین امین الدوله بود .

ولی از آنجائی که اینان همه اعضاء الیکارشی ایران بودند و بطور جدی مصمم به تحول نبودند و امین الدوله خود کسی نبود در برابر يك دگرگونی عمیق و وسیع پذیرای هر خطر باشد ، همینکه دید مخالفان صف آرائی کرده اند بقول معروف (توزد) و یابنوشته کاسا کوفسکی در صدد خرید و تطمیع آنان برآمد (۵) . (ادامه دارد)

۱ - خاطرات و خطرات صفحه ۱۴۳

۲ - خاطرات و خطرات صفحه ۱۴۵ ۴ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه

۳ - خاطرات کلنل کاسا کوفسکی ۸۹ ۵ - کتاب بالا ۱۰۹ ۳۵۳-۳۴۵